



شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند...

زندگی‌نامه داستانی محمدرضا گنجی‌ری



زهره یزدان‌پناه قره‌تپه

سرشناسه: یزدان پناه، زهره، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند... داستان‌های محمد رضا تنگسیری / نویسنده: زهره یزدان پناه

مشخصات نشر: تهران: مرکز نشر آثار شهید حسن باقری، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۵۶۵ ص.: مصور (رنگی)، عکس (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۵۵-۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: روایت داستانی محمد رضا تنگسیری

موضوع: تنگسیری، محمد رضا، ۱۳۳۹ - ۱۳۷۳.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

یادداشت: چاپ اول ۱۳۹۶ (فیبا)

شناسه افزوده: مرکز نشر آثار شهید حسن باقری

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۵ ش ۴۱۳۳/ز ۸۳۲۳ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۷۷۵۷



شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند...

زندگی‌نامه داستانی محمدرضا تنگسیری

ناشر مؤسسه شهید حسن باقری

مدیرعامل مهدی امیریان

نویسنده زهره یزدان‌پناه مرعشه

رئیس هیئت‌مدیره فتح‌الله جعفری

امور هنری سیدمهدی حسینی

همکاران حمید مینایی

نوبت چاپ اول - ۱۳۹۶

قیمت ۴۰۰,۰۰۰ ریال

امور چاپ و نشر سیدمهدی شجاع‌الدین

ویراستار سپیده شاهی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۴۵۵-۴-۳

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است



نشانی تهران، خیابان فاطمی، خیابان پروین اعتصامی، چهارراه شهید فکوری، شمار ۱۵ - شهید حسن باقری

سامانه پیام کوتاه ۰۱۱۰۰

تلفن مرکز پخش ۰۲۱-۸۸۰۰۳۴۱۷

www.bagheri.ir

فهرست

۹	یادداشت نویسنده
۱۷	فصل صفر
	روایت میان موج و حیرت
۲۳	فصل اول
	روایت تو تاپیش از آمدن آن ها
۵۱	فصل دوم
	روایت تو و آن ها که آمدند، تا آزادی خرمشهر
۱۰۹	فصل سوم
	روایت من و آن ها، و وقتی که خرمشهر آزاد شد
۱۳۵	فصل چهارم
	روایت ما وقتی که می آیی
۱۷۴	فصل پنجم
	روایت تو و لشکر ۷ ولی عصر علیه السلام و تعمیرات زرهی و نگه داری تیپ زرهی مُحرم، در پادگان شهید
	غیور اصلی و سپینتا (شرکت فولاد اهواز)، تا اواخر سال ۱۳۶۳
۲۱۵	فصل ششم

روایت مرکز پشتمانی زرهی جنوب (انرژی اتمی) | آب بندی تانک ها، در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳

۲۳۳

فصل هفتم

روایت تو | و عملیات سوریه، در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳

۲۵۱

فصل هشتم

روایت تو | و سفر به لهستان، بلغارستان، و خاورستان

۲۶۷

فصل نهم

روایت ما | و احمد که می آید

۲۸۵

فصل دهم

روایت تو | و چند ماه آخر در تیپ ۷۲ محرم و مرکز پشتیبانی زرهی جنوب (انرژی اتمی)، در سال

۱۳۶۴ و سفر به کره شمالی

۳۱۱

فصل یازدهم

روایت تو | و عملیات فاو و سفر به سوریه و مرکز پشتیبانی زرهی جنوب (انرژی اتمی)، در سال ۱۳۶۵

۳۴۵

فصل دوازدهم

روایت ما | و علی که آمد

۳۶۱

فصل سیزدهم

روایت تو | و اولین سفر به چین، مقدمات سفر به آلمان شرقی، و تعمیرات زرهی در جبهه غرب

۳۸۵ فصل چهاردهم

روایت تو | و سفیر ایران شرقی

۴۱۵ فصل پانزدهم

روایت تو | و مرکز پیشانی رهی جنوب (مرکز شهید واعظی) و چند زاویه دیگر

۴۳۵ فصل شانزدهم

روایت ما | و روزهای آخر در اهواز

۴۴۷ فصل هفدهم

روایت تو | و تهران و دومین سفر به چین

۴۷۳ فصل هجدهم

روایت ما | و زندگی در تهران

۴۹۳ فصل نوزدهم

روایت تو | و آن هجرت شگفت انگیز

۵۵۱ فصل بیستم

روایت قاب ماندگار



□ یادداشتِ نویسنده

در دوران جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس، خیلی‌ها، فقط آتش دیدند و خون و ویرانی، اما حضرت امام را نه! با بصیرت و نگاهی ژرف، از جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس، به سنزله «الطاف خفیه الهی»، یاد می‌کنند. این الطاف خفیه الهی وقتی خود را می‌نماید که در میان آتش و خون و ویرانی، شاهد حرکت به سوی کمال الهی و رسیدن خودآگاهی به خداآگاهی می‌شویم. این اعتلا و کمال‌یابی، نه تنها در مسیر انسان و انسان‌سازی است، بلکه در زمینه خودکفایی اقتصادی و به تعبیری، اقتصاد مقاومتی در دوران جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس و پس از آن در ابعاد گوناگون همچون زمینه‌های تجهیزات سخت‌افزاری نظامی و زرهی؛ به طوری که نیروهای مخلص و جان بر کف و گمنام پشتیبانی زرهی و تعمیرکاران آن، در دوران دفاع مقدس، هم‌زمان با حضور خود در میدان‌های رزم و مناطق عملیاتی، نقشی به سزا در تجلّی گونه‌ای از اقتصاد مقاومتی در آن هشت سال و حتی پس از آن داشتند. وقتی در کنار سایر ادوات جنگی، وجود گردان‌های تانک و حتی وجود یک تانک، آن

هم در شرایط تحریم اقتصادی مملکت، می‌توانست نقشی مهم در جبهه داشته باشد، آن وقت ارزش و اهمیت نقش نیروهای پشتیبانی زرهی، که حضورشان به همراه تعمیرکاران زرهی در عرصه میدان نبرد نیز ضرورتی جدی بود، مشخص می‌شود که چگونه با رنج و مشقت بسیار، تک به تک تانک‌های آسیب‌دیده را، حتی در میدان جنگ و میان آتش و خون، سرپا می‌کردند.

محمدرضا تنگسیری یکی از مسئولان پشتیبانی و تعمیرات زرهی در سپاه بوده که در کنار سایر هم‌زمانش، نقشی فراموش‌نشدنی در دوران جنگ تحمیلی و حتی پس از آن، در زمینه تحقق خودکفایی اقتصادی و تجلّی‌گونه‌ای از اقتصاد مقاومتی پشتیبانی و تجهیزات زرهی داشته و سبب خیری شده است تا در این کتاب، فقط به نمونه‌هایی از عملکرد رزمندگان پشتیبانی زرهی در عملیات‌ها و مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس اشاره شود.

□

محمدرضا تنگسیری زاده روستای خَزَع آباد در اروندکنار خوزستان است؛ در هفدهم فروردین سال هزاروسیصدوسه هجری. با شروع جنگ تحمیلی، اسلحه به دست می‌گیرد و به عنوان نیروی بسیجی از پایگاه مسجد خزعل آباد به مقابله با هجوم دشمن بعثی می‌رود. جانشینی پایگاه بسیج و مسجد، فرماندهی پایگاه شهرک در شانزده کیلومتری آبادان، مسئولیت‌هایی است که او در همان ابتدای جنگ بر عهده می‌گیرد. بعد از سقوط خرمشهر است که این جوان ماهر رودخانه اروند، وارد تیم‌های شناسایی برون مرزی در خاک عراق و عبور از اروند می‌شود. در جایگاه یک نیروی بسیجی، در بخشی از عملیات فتح‌المبین و در مرحله اول عملیات بیت‌المقدس برای آزادسازی خرمشهر، به عنوان مسئول گروهان تیپ ۴۶ فجر و در مرحله دوم این عملیات، به عنوان فرمانده دسته در گردان بلال از

سپاه آبادان، شرکت می‌کند.

بعد از آزادی خرمشهر، وارد سپاه می‌شود و سپس در واحد زرهی لشکر ولی عصر علیه السلام مشغول می‌شود. در عملیات والفجر مقدماتی در زمستان سال شصت و یک، فرمانده دسته تانک در لشکر ۷ ولی عصر علیه السلام است. وقتی در سال شصت و دو، زرهی سپاه در خوزستان، تیپ زرهی ۷۲ مُحرم را تشکیل می‌دهد، با ورود گردان زرهی لشکر ۷ ولی عصر علیه السلام به تیپ ۷۲ مُحرم، او هم در خرداد همان سال وارد این تیپ می‌شود. با انتقال ادوات زرهی به پادگان شهید غیور علیه السلام، تانگ سری هم، همه ادوات زرهی لشکر ۷ ولی عصر علیه السلام را جمع‌آوری و سپس به آنجا منتقل می‌کند. در پادگان شهید غیور اصلی، معاونت فنی تعمیرات زرهی تیپ ۷۲ مُحرم به عهده می‌گیرد. پس از انتقال تعمیرات زرهی تیپ ۷۲ مُحرم، در اواسط تابستان سال شصت و دو، به سهراهی خرمشهر می‌رود و با ایجاد تعمیرگاهی در مجموعه رکت فولاد سپنتا، همچنان در سمت معاون فنی تعمیرات زرهی مشغول فعالیت می‌شود. در سپنتا، در دو سوله دوهزار متری، تعمیرات موتور، برق، باتری، بُرجک، رَد، و تجهیزات جنگ افزار زرهی را راه‌اندازی می‌کنند. تانک‌ها در این سالن، تعمیر و آزاد و سپس تحویل گردان‌های عملیاتی می‌شوند. یک سال بعد، مسئولیت تعمیرات زرهی تیپ ۷۲ مُحرم را در سپنتا به عهده می‌گیرد.

تنگسیری، در عملیات خیبر، به عنوان مسئول تعمیرات زرهی تیپ ۷۲ مُحرم در منطقه عملیاتی غرب حسینیّه حضور دارد و مسئولیت ایجاد مقرهای سیار در آن منطقه را به عهده می‌گیرد. بعد هم، در کمک به تعمیرات نفربرهای خشایار، که انتقال پُل‌های خیبر را در هور به عهده دارند، کمک می‌کنند. در عملیات بدر هم، به عنوان مسئول تعمیرات زرهی تیپ ۷۲ مُحرم، با ایجاد پایگاه‌های

تعمیرات زرهی سیار، همراه نیروهایش در منطقه عملیاتی حضور دارد. مرکز پشتیبانی زرهی سپاه، که در تهران استقرار دارد، دوزیر مجموعه دارد؛ مرکز پشتیبانی زرهی غرب در کرمانشاه و مرکز پشتیبانی زرهی جنوب در اهواز. واحد تعمیرات زرهی، از سال شصت تا شصت و دو، در لشکر ۳۰ زرهی به فرماندهی فتاح الله جعفری، در مرکز انرژی اتمی دارخوین، مابین اهواز و آبادان، مستقر می‌شد. از سال شصت و دو، تعمیرات زرهی، زیرمجموعه‌ای از مرکز پشتیبانی زرهی جنوب می‌شد که مسئولیت آن را محسن قادری بر عهده دارد. محسن قادری، فرماندهی مرکز پشتیبانی زرهی سپاه در تهران را نیز عهده‌دار است. به این ترتیب، تعمیرات زرهی، همچنان فعالیت خود را در انرژی اتمی ادامه می‌دهد. دفاتر ستادی مرکز پشتیبانی زرهی جنوب نیز، در پادگان شهید اشرفی اصفهانی، واقع در کوه دماوند اهواز، معروف به سایت، قرار دارد. مرکز پشتیبانی جنوب نیز، عرصه دیگری است که در سایت مستقر است. جز پشتیبانی زرهی، که فرماندهی آن را محسن قادری بر عهده دارد، بقیه بخش‌های لجستیک مربوط به سپاه جنوب، در مرکز پشتیبانی سازماندهی می‌شود و مسئولیت آن هم به عهده مسعود شراغری است. تنگسیری، از سال شصت و چهار، وارد مرکز تعمیراتی انرژی اتمی می‌شود و تا سال شصت و هفت، معاونت این مرکز را به عهده دارد. در سال شصت و هفت، دفاتر ستادی مرکز پشتیبانی زرهی جنوب، از مرکز شهید اشرفی اصفهانی یا همان سایت، به همراه تعمیرات زرهی مرکز پشتیبانی زرهی جنوب از انرژی اتمی، به مرکز شهید واعظی منتقل می‌شود. تنگسیری مسئولیت تعمیرات زرهی در مرکز شهید واعظی را به عهده می‌گیرد و بعد از مدت کوتاهی، به فرماندهی مرکز پشتیبانی و تعمیرات زرهی جنوب در مرکز شهید واعظی منصوب می‌شود. فعالیت‌های مرکز تعمیرات زرهی در عملیات‌ها، تنگسیری را به عرصه

نبرد وارد می‌کند. تانک و نفربرهای عراقی همگی روسی هستند، و در مقایسه با تجهیزات غربی، زودتر دچار نقص فنی می‌شوند. برای پشتیبانی از یگان‌های عملیاتی در منطقه با مسئولیت تنگسیری، تعمیرگاه‌های سیار ایجاد می‌شود. تنگسیری در عملیات والفجر ۸، کربلای ۵، و والفجر ۱۰، به عنوان مسئول تعمیرات، های سیار زرهی حضور داشت که در عملیات والفجر ۸ در فاو، دچار آتش می‌شود.

تحریم جمهوری اسلامی ایران، بیش از همه تجهیزات زرهی را شامل می‌شود. زرهی سپاه می‌تواند این دانش فنی ادوات زرهی را به هر نحوه دست بیاورد. شروع آن در سال شصت و شش است که زمان اوج کشمکش‌های مرزی در دوران جنگ تحمیلی است. مرکز پشتیبانی زرهی سپاه، به همراه تیم‌های ناظر کارفرما، پنجاه تانک برای بازسازی به آلمان شرقی انتقال می‌دهد. در این بازسازی، زمینه‌های کسب دانش فنی، با زرهی اهمیت دارد. عمده سفرهای خارجی به کشورهایی مانند کره شمالی، آلمان شرقی، لهستان، بلغارستان، مجارستان، و چین صورت می‌گیرد و تنگسیری از اعضای تیم اعزامی از ایران، برای تأیید قطعات یدکی یا بازسازی تانک‌ها بوده است.

در سال هفتاد جانشین مرکز پشتیبانی زرهی سپاه در تهران می‌شود، اما دست‌های ناپیدای تقدیر، در ۲۱ مرداد سال هفتاد و سه، این رزمه با حلاص و خستگی‌ناپذیر سال‌های دفاع مقدس را، در صحنه آزمایشی دیگر از غیرت و از خود گذشتگی و ایثار، می‌چیند و آسمانی‌اش می‌کند.



اولین بار، سردار فتح‌الله جعفری، که خود از فرماندهان هشت سال دوران دفاع مقدس و بنیان‌گذار و فرمانده کل زرهی سپاه بوده است، عکس او را نشانم می‌دهد؛ آن هم از پشت یک ویتترین شیشه‌ای در دفتر کارش. آشنایی‌ام با

شخصیت محمدرضا تنگسیری، به این باورم رساند که او، هم در زندگی، هم در جبهه‌های جنگ، و حتی بعد از آن، در رزمگاه کار و تلاش فقط یک عاشق بوده است؛ مثل شهدا که بال پروازشان فقط عشق به خداست و لبخند رضایت او. و مثل شاپرک‌ها که به عشق بوستان گل به پرواز درمی‌آیند، که نه شهدا می‌میرند و نه شاپرک‌های عاشق. محمدرضا تنگسیری نیز شاپرکی بوده از خیل شاپرک‌های عاشق.

این کتاب داستان زندگی آن مرد است؛ همان شاپرک عاشق، که شاید شاه‌بیت کلمات دربارهٔ زندگی او همین چند کلمه باشد: «شاپرک‌های عاشق نمی‌میرند». کسی که ساده زندگی کرد، ساده هم رفت، اما با شکوه عشق، گذشت، ایثار، فداکاری. کسی که می‌توانست غیRAIN باشد که بود و غیRAIN زندگی کند که زندگی کرد. محمدرضا تنگسیری بزرگ‌شدهٔ مکتب سیدالشهدا (ع) بود و تربیت‌یافتهٔ مکتب امام حسین (ع). که جز این نیز انتظار نمی‌رفت. خدایش بیامرز و با سیدالشهدا (ع)، شهدای کربلا، با امام شهدا محشورش کند، که او نیز گونه‌ای دیگر از رنگ سرخ شهادت را به تصویر کشید.

اما نیمهٔ دیگر زندگی محمدرضا تنگسیری همین بوده است فداکار و مهربان و صبور؛ کبری اشرفیان که زندگی پُرفراز و نشیب و صبورانه در درس‌آموز خود او نیز گوشه‌ها و زوایای پنهانی از فراز و نشیب‌های فراموش‌نشدهٔ جنگ تحمیلی است. بخشی از زندگی کبری اشرفیان در زندگی مشترک با محمدرضا تنگسیری سپری شده و بعد از کوچ او نیز، نقشی مهم در تربیت و پرورش فرزندانش داشته است.

سخن آخر اینکه، سپاس خود را تقدیم همهٔ عزیزانی می‌کنم که هر کدام به گونه‌ای، بی‌دریغ و صادقانه، در خلق این اثریاری‌ام کردند. سپاس از خانوادهٔ محترم تنگسیری، به‌ویژه از سرکار خانم کبری اشرفیان، سردار دریادار حاج

علیرضا تنگسیری، جانشین نیروی دریایی سپاه، و حاج کاظم تنگسیری، که صبورانه در روایت یادگاری از محمدرضا تنگسیری تلاش کردند. سپاس گزارم از: احمد تنگسیری، علی تنگسیری، مریم تنگسیری، اسحاق مکوندی، معصومه اشرفیان، معصومه بریمی پور، مرحومه لطیفه آغا جاری، قمر چهارزی، حسن تنگسیری، آتنا تنگسیری، که در تهران و دوران حضورم در آبادان، یاری رسانم بودند. نیز سپاس از دوستان و همزمان محمدرضا تنگسیری، به ویژه از سردار فتح الله جعفری، که قبول زحمات بازخوانی کتاب، از ارائه دیدگاه های خود دریغ نکردند و نیز سپاس ویژه از سردار محسن قادری، که علاوه بر تلاش برای احصای برخی یادها، زمینه ای سفر و حضورم در اهواز را فراهم کردند؛ در این خصوص، یار محمد بن برزنجیری یاری رسانم بود. گفتنی است با همراهی صادقانه و تلاش های خالصانه امیرادبیخ از دوستان و همزمان محمدرضا تنگسیری - زمینه های حضور برزی دوستان و همزمان محمدرضا در تهران نیز فراهم شد. نیز، سپاس از ناصر عرب، کجی، کوروش مکوندی، حسن صدرزاده، سیروس جمشیدی، محسن عبیداون، عباس خلیلی، عبدالحسین بهروزی زاده، عبدالرضا قطرانی نژاد، هاشم لاری، عبدالرضا قاسمی، سید ریاض موسوی (ابوریاض)، حمید کردونی، عبدالکریم قنبرزاده بهبهانی، و حسین براتی، که صبورانه در احصای یادها و خاطرات آن دلاورمرد نابغه میدان رزم و جهاد و تلاش هشت سال دفاع مقدس، تلاشی خالصانه کردند و با یاری رسانی های بی دریغ شان در روایت ها، سهمی به سزا در به ثمر رسیدن این اثر داشتند.

زهره یزدان پناه قره تپه